

۳- در کدام گزینه کنایه به کار نرفته است؟

(۱) دلا معاش چنان کن که گر بلغزد پای

فرشته‌ات به دو دست دعا نگره دارد

(۲) یکی نغز بازی کند روزگار

که بنشانندت پیش آموزگار

(۳) نرفتم به محرومی از هیچ کوی

چرا از حرق شوم زرده روی

(۴) محتاج قصه نیست گرت قصد خون ماست

چون رخت از آن توست، به یغما چه حاجت است؟

کنايات در ديگر گزينه‌ها به ترتيب عبارتند از:

پای لغزیدن: خطا و گناه کردن / پیش آموزگار نشانیدن: اشاره به نادانی

کردن / زرد روی بودن: خجالت زدگی و شرمندگی

۴- در کدام بیت، آرایه‌ی کنایه به کار نرفته است؟

(۱) چو بشنید بیچاره بگریست زار که ای خواجه دستم ز دامن بدار

(۲) چنین است رسم سرای درشت گهی پشت زین و گهی زین به پشت

(۳) گفت معشوق به عاشق کای فتی تو به غربت دیده‌ای بس شهرها

(۴) نپندارم ای در خزان کشته جو که گندم ستانی به وقت درو

کنایه پوشیده سخن گفتن است و گوینده به معنی و مفهوم باطنی جمله و عبارت توجه دارد. در بیت‌های (۱)، (۲) و (۴) «جو کشتن و گندم خواستن»، «دست از دامن کسی برداشتن» و «گهی پشت زین و گهی زین به پشت» مفهوم کنایه دارند ولی در گزینه‌ی (۳) از کنایه استفاده نشده است.